

دکتر محمد حسین پاپلی بزدی
دانشگاه مشهد- بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی

نقشه پراکندگی زبانها در روستاهای شمال خراسان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ
أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ خَبِيرٌ .

ای مردم ما همه شما را نخست از مرد وزنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار
و فرق گوناگون گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین
شماست. همانا خدا دانا و آگاه است .
(سوره حجرات ، آیه ۱۳)

مسائل قومی و زبانی از پیچیدگی خاصی برخوردار است و یکی از
مهمترین مسائل سیاسی و فرهنگی جامعه بشری است* .
در بسیاری از کشورهای جهان اختلافات قومی و زبانی مرکز ثقل
بحرانهای سیاسی و نظامی است . هر گاه مشکلات قومی و زبانی با مسائل
مذهبی توأم گردد و حکومتها نتوانند راه حل مناسبی را که مورد قبول
همه گروهها باشد ارائه دهند ، باید منتظر عواقب ناگوار و مشکلات سیاسی

✽ در تهیه این نقشه (تهیه فیشها، تهیه نقشه‌های زمینه و پایه) خانمها نسرین
احمدیان شالچی ، روح‌انگیز جهانبانی و فروغ همتی و آقای علیرضا چکنگی ،
پژوهشگران گروه جغرافیای بنیاد پژوهش‌های اسلامی همکاری داشته‌اند که از آنها
تشکر می‌گردد

و نظامی - اجتماعی - فرهنگی ناشی از آن باشند . پیچیدگی مسأله به حدی است که در برخی کشورها حل مسائل قومی و زبانی قرن‌ها طول کشیده و هنوز این مسائل به قوت خود باقی است و یا هر آن امکان بروز حوادث و درگیری وجود دارد .

مرزهای سیاسی بسیاری از کشورها و تقسیمات داخلی کشورهای زیادی بر مبنای ویژگیهای قومی - زبانی - مذهبی نواحی مربوطه تعیین شده است . نقشه کشورهای اروپایی در حال حاضر بیشتر ملهم از مسائل قومی و زبانی است .

تقریباً هر گروه قومی و زبانی بزرگ برای خود کشور مستقلی دست‌وپا کرده است . در اروپا هر کجا که این تقسیمات در سطح بین‌المللی انجام نشده یا کشور به صورت فدرال (مانند یوگسلاوی) اداره می‌شود و یا هنوز مشکلات اساسی وجود دارد . اختلاف کرس با فرانسه ، ایرلند شمالی با انگلستان ، مسأله قبرس و ... از نمونه‌های بارز آن است . البته اروپا پس از تقسیم در حد گروه‌های قومی و زبانی ، از چند دهه قبل برای مقابله با بسیاری از مسائل اقتصادی و سیاسی و نظامی و به دست آوردن توان لازم برای مطرح شدن در سطح بین‌المللی وارد انواع اتحادیه‌ها شده که بازار مشترک اروپا نمونه کاملی است از تلاش به سوی وحدت پس از تجزیه .

تلفات ناشی از جنگها و خونریزی‌هایی که در طول تاریخ بشری به بهانه وجود اختلافات قومی - زبانی به‌ممل مختلف تحمیل شده از بسیاری از جنگهای دیگر بیشتر است و هنوز این درگیریها در اکثر کشورهای جهان و بویژه در جهان سوم وجود دارد . در همین سالهای اخیر چندین شخصیت بزرگ سیاسی جهان از جمله خانم گاندی جان خود را بر سر اختلافات قومی - مذهبی باخته‌اند .

تغییر درصد اقوام در ناحیه‌ای خاص و یا تراکم بیش از حد گروهی در ناحیه‌ای و بویژه در نواحی مرزی موجب تغییر در نظام سیاسی و یا موجب وجود بحرانی‌های شدید سیاسی و یا جنگها در سطح داخلی و یا بین‌المللی می‌شود.

مثلاً اگر در گوشه‌ای از مرزهای يك کشور تراکم بیش از حد افراد هم‌نژاد و یا هم‌زبان و هم‌مذهب با مردمان کشور همسایه به وجود آید، آنگاه طبیعتاً آن کشور همسایه مطامعی را دنبال می‌کند. یکی از بهانه‌های عمده حملات کشورهای همسایه به یکدیگر حمایت از افراد هم‌زبان - هم‌نژاد و هم‌مذهب خود در خاک سرزمین مجاور بوده است. یکی از بهانه‌های حمله عراق به ایران، آزادسازی خوزستان و به اصطلاح آنها «عربستان» و رهایی به اصطلاح آنها «خلق عرب» بوده است. اگر برادران ایرانی عرب‌زبان ما در جوار مرزهای عراق زندگی نمی‌کردند و یا تعدادشان خیلی کم بود و یا در گوشه‌ای از مملکت متراکم نبودند و در سراسر کشور پراکنده بودند آیا عراق می‌توانست همچو ادعایی ولو به صورت تئوریک داشته باشد؟

هرگونه تغییر و تحول جغرافیایی و جمعیتی در مسائل قومی، زبانی و مذهبی، از قبیل افزایش درصد جمعیت، تراکم يك گروه در يك ناحیه یا يك محله و یا يك روستا، تراکم يك گروه هم‌زبان و هم‌نژاد در مرزهای مشترك دو کشور همسایه، مسائل حاد و سیاسی ایجاد می‌کند. بی‌جهت نیست که برخی از محققان اختلافات بالقوه قومی - زبانی و مذهبی موجود در جهان سوم را برای این کشورها از بمب اتم خطرناکتر دانسته‌اند.

وجود اختلافات بالقوه قومی اهرمی است در دست قدرتهای بزرگ خارجی برای وارد آوردن فشار بر دولت‌های جهان سوم بویژه دولت‌های انقلابی. بی‌جهت نیست که کشورهای قدرتمند بودجه‌های بسیار زیادی

را صرف تحقیقات مردم‌شناسی - قوم‌شناسی و جغرافیای انسانی می‌نمایند. در خراسان شمالی^۱ در سطحی حدود ۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع تقریباً تمامی گروههای قومی موجود در ایران زندگی می‌کنند. حضور این گروهها علاوه بر ویژگیهای فرهنگی^۲ و انسانی خصوصیات منحصر بفردی را به خراسان شمالی می‌دهد.

۱ - در کمتر نقطه‌ای از جهان در سطحی چنین کوچک به این چنین مخلوطی از اقوام و زبانها و لهجه‌های متفاوت برخورد می‌کنیم.

۲ - در حال حاضر این اقوام با همه تفاوتها و ویژگیهای قومی - زبانی و فرهنگی و علی‌رغم داشتن تاریخی آشفته و گاه خون‌آلود با هم به آرامش و مسالمت زندگی می‌کنند. در کمتر نقطه‌ای از جهان حتی در کشورهای اروپایی به ناحیه‌ای با این چنین اختلاط قومی و زبانی که از چنین آرامشی برخوردار باشد برخورد می‌کنیم.

۳ - این زندگی مسالمت‌آمیز و در آمیختگی قومی - فرهنگی در بین اقوام و زبانهای مختلف در شمال خراسان ویژگی بزرگ انسانی این ناحیه است.

این آرامش بسادگی به دست نیامده است. برخی از این گروهها در طول قرن‌ها باهم به زد و خورد مشغول بوده‌اند. داستان ترکمن‌تازی و برخورد‌های میان کردها و ترکمنها و سایر اقوام خراسان

۱ - منظور از خراسان شمالی تمام حوضه آبریز کشف رود و حوضه آبریز آن بخش از رودخانه اترک که در خراسان واقع است و تمام دامنه‌های شمالی کوههای کپه‌داغ می‌باشد.

۲ - عباس سعیدی رضوانی، «نگاهی به ویژگیهای انسانی خراسان»، مجموعه سخنرانی نخستین سمینار مسائل ناحیه‌ای ایران، مشهد ۱۳۵۴.

مسأله‌ای است که تا حد زیادی شناخته شده است، هر چند که شناخت عمیق آن محتاج تحقیقات مفصلی است. برخورد‌های کوچکتر در مقیاسهای محلی در طول قرن‌ها وجود داشته است.

همان گونه که گفته شد در هر کجای جهان که گروه‌های قومی - زبانی و مذهبی متفاوت در محیطی محدود زندگی می‌کنند، همیشه امکان بالقوهٔ ایجاد بحرانه‌های سیاسی یا درگیریهای نظامی وجود دارد. اختلافات بالقوه و بویژه آن بخش از تفاوتها را که می‌تواند مورد سوء استفادهٔ عوامل خارجی واقع شود، نباید دست کم گرفت.

خوشبختانه در حال حاضر تفاوت‌های قومی و زبانی در شمال خراسان منشأ بحرانه‌ها و یا درگیریهای حادی نیست. البته مشکلات بین ترکمنها و کردهای چادر نشین بر سر مراتع مراوه تپه هنوز وجود دارد و گاه حدت ویژه‌ای می‌یابد.

برخورد اقوام دامدار یا گروه‌های کشاورز بر سر مراتع بیلاقی و قشلاقی در شمال خراسان فراوان است. اما این اختلافات بیشتر جنبهٔ حقوقی دارد و بین گروه‌های متفاوت با یکدیگر است و نه بین گروه‌ها با دولت مرکزی. اصولاً این اختلافات قابل مقایسه با اختلافاتی که مثلاً مردمان جزیره کرس و سرزمین بروتانی با فرانسه و یا مردم باسک با اسپانیا و یا مردم کوسوو KOSOVO با یوگسلاوی و مردمان قبرس با ترکیه و یونان و اهالی کبک با دولت کانادا و ... دارند نیست. و حتی در بسیاری موارد این اختلاط و آمیزش قومی - زبانی موجب شکوفایی فرهنگی و اقتصادی شده است.^۳ حال بطور کلی و اجمالی ببینیم این گروه‌های قومی - زبانی چگونه به خراسان آمده‌اند. این گروه‌ها را می‌توان به طرق مختلف

تقسیم‌بندی کرد که تقسیمات زیر یکی از آنهاست :

۱ - برخی از مردم خراسان از قدیم‌الایام و از قبل از اسلام در این سرزمین ساکن بوده‌اند و درحقیقت مردمان بومی این سرزمینند. اما عده‌ای نیز به دلایلی که در زیر می‌آید در طول تاریخ در سده‌های گذشته و یا حتی در قرن اخیر و دهه‌های اخیر از سایر نقاط ایران به خراسان آمده‌اند و هنوز این مهاجرت به سوی خراسان ادامه دارد. گروههای فارسی‌زبان بیشتر از این دسته‌اند.

۲ - به علت آنکه خراسان شمالی دروازهٔ ایران به طرف آسیای مرکزی و سرزمینهای ماوراءالنهر و ترکستان بوده، از مهاجمان و مسافران شرقی هر گروهی که به ایران حمله می‌کرده و یا وارد ایران می‌شده، بخشی از جمعیت خود را در این سرزمین ساکن می‌کرده است و یا خود ساکن می‌شده‌اند. انواع گروههای ترک، که وقتی به ریشه تاریخی آنها باز می‌گردیم، برخی متعلق به دوره غزنویان، ساجقیان، خوارزمشاهیان، ایلخانیان و تیموریان می‌باشند از این گروهند. بنابراین ریشهٔ عده‌ای از ترکان خراسان چون ترکان گرایلی، جانی‌قربانی و غیره مربوط به قبل از دوران صفویه هستند. در زمان صفویه و پس از آن نیز گروههای مختلف ترک، البته در ابعاد محدودتر، به خراسان کوچانده شده‌اند. که مثلاً برخی دهات شاهسونی از آن قبیلند.

۳ - قبل از دورهٔ صفویه تعداد معدودی کرد در خراسان بوده‌اند ولی از زمان شاه اسماعیل و شاه عباس است که شمار کردان در خراسان افزایش یافته است.^۴ از آنجایی که خراسان جزو اولین مناطقی بوده که

۴ - محمد حسین پاپلی یزدی، «مختصری درباره کوچ‌نشینان کرد شمال

خراسان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و

مورد تجاوز مهاجمان و متجاسران شرقی واقع می‌شده است، پادشاهان مقتدری، چون شاه اسماعیل و شاه عباس عده‌ای از ایرانیان نواحی دیگر و بویژه کردها را به شمال خراسان کوچانده‌اند. بنابراین امروزه در شمال خراسان به گروه‌های مختلف قومی و زبانی برخورد می‌کنیم که پدران آنها یا از روی رغبت و یا از روی اجبار به صورت گروهی و برای حفاظت از سرحدات شمالی به این نواحی کوچانده شده‌اند، که بزرگترین گروه آنها کردها هستند. گروه‌های لر، شاهسون، برخی از علی‌میرزائیها و میش‌مستها، بلوچها و عربها نیز از آن جمله‌اند.

۴ - چون در خراسان شمالی در طول قرن‌ها گروه‌های کوچ‌نشین و نیمه کوچ‌نشین بومی و یا مهاجر حضور فعال داشته‌اند و فعالیت‌های کوچگری از زمان صفویه و آمدن ایلات کرد اوج گرفته‌است، بخشی از عشایر در مسیر بیلاق و قشلاق خود که گاه به ۴۰۰ کیلومتر می‌رسد، در روستاهایی که قبلاً ساخته شده بود و یا در روستاهایی که خود بنا کرده‌اند اسکان یافته‌اند. بدین ترتیب پراکندگی قومی در شمال خراسان گسترش بیشتر یافته است بطوری که در کانون‌های کرد زبان به‌ترکها و یا در اعماق کانون‌های ترکمن زبان به کردها و برعکس برخورد می‌کنیم. این روند با اسکان عشایر فعلی هنوز ادامه دارد. به‌علاوه مراتع سرسبز خراسان شمالی که نسبت به مراتع خراسان جنوبی و بلوچستان چون بهشت برین است همیشه اقوام کوچ‌نشین و نیمه کوچ‌نشین جنوبی را به خود جلب می‌کرده است و هنوز هم جلب می‌کند. علت حضور بخشی از بلوچها، سیستانیها، قاینیها، تربتیها و... همین سرسبزی مراتع است؛ آنها در ابتدا در جستجوی مراتع به خراسان آمده‌اند و سپس در این دیار رحل اقامت افکنده‌اند.

۵ - جنگها و انقلابات داخلی و خارجی نیز موجب آن گردیده است که عده‌ای به خراسان کوچ کنند. مثلاً جنگهای داخلی افغانستان در قرن

گذشته موجب آن شده است که عده‌ای از هزاره‌جات که هم‌اکنون بیشتر به بربری مشهورند در خراسان ساکن شوند. برخی از این افراد جذب شهرها و یا روستاهای موجود شده‌اند و برخی دیگر روستاهای مستقلی را بنیان نهاده‌اند. جنگهای داخلی ایران و جنگهای ایران با عثمانی و کشورهای همجوار نیز موجب آن شده‌است تا عده‌ای از هموطنان به سرزمین خراسان کوچ کنند. در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز تعدادی از خانوارهای غرب کشور بخصوص از خوزستان به خراسان آمده‌اند که مسلماً عده‌ای از آنها همیشه در این خطه خواهند ماند، هر چند که این گروهها بیشتر جذب شهرها شده‌اند و امکان یکسان‌سازی آنها با فرهنگ محلی بیشتر از کسانی است که در روستاها ساکن شده‌اند.

۶- عده‌ای از مالکین بزرگ بویژه شاهزادگان قاجار برای آبادی املاک خود در خراسان رعایای خویش را از سایر نقاط به خراسان شمالی کوچانده‌اند و یا تشویق به آمدن کرده‌اند. بدین ترتیب گاه روستاهایی با گروههای قومی و زبانی و یا لهجه‌ای مختلف ایجاد شده است که در حال حاضر نیز این گروهها به اصالت خود وقوف کامل دارند. مثلاً در روستای بزنگان که در اواخر قرن گذشته توسط یکی از شاهزادگان قاجار بنا شده است^۵ به افرادی از مرو، کرمان، گناباد، یزد، تربت حیدریه و هزاره‌جات برمی‌خوریم.

۷- وجود مرقد مبارک حضرت امام رضا (ع) در خراسان موجب شده است که عده‌ای از شیفتگان بارگاه ملک‌پاسان علی بن موسی الرضا (ع) از گوشه و کنار ایران و جهان اسلام جلای وطن و ترک دیار کنند و در

۵ - عباس سعیدی، «سرخس دیروز و امروز»، مشهد ۱۳۵۲، ص ۲۳۰

سرزمین خراسان رحل اقامت افکنند. برخی از این افراد در شهر مقدس مشهد و عده‌ای زیاد در روستاهای اطراف مشهد مقیم شده‌اند که امروزه فرزندان آنها به صورت خانوادگی و گروهی، کانونهای فرهنگی ویژه‌ای را تشکیل می‌دهند. بعلاوه در بسیاری ایام وجود مرقد مطهر امام امنیت ویژه‌ای را برای خراسان ایجاد کرده است و افراد زیادی برای فرار از ظلم و ستم جابران و حاکمان مستبد به سرزمین ضامن آهو به پناه آمده‌اند.

۸ - در برخی روستاها و شهرکها و شهرهای نوار مرزی ایران و شوروی و بویژه در مسیر راههای کاروانی سابق، مثلاً کلات نادری، درگز، باجگیران به گروههای مختلف قومی و بویژه به ترکهای آذری برخورد می‌کنیم. دلیل اقامت این گروهها، بویژه ترکهای آذری در این نقاط دور دست آن است که از ۱۸۸۴ میلادی و کمی جلوتر از آن و تا جنگ جهانی اول راه بین آذربایجان و شهر مقدس مشهد نه از طریق راههای فعلی بلکه از طریق باکو، دریای مازندران و عشق‌آباد شوروی و باجگیران، یا درگز و یا کلات نادری و راههای فرعی دیگر بوده است. عده‌ای از این مسافران حضرت رضا (ع) که از آذربایجان بزرگ و یا قفقاز می‌آمده‌اند در این مسیرها اقامت گزیده‌اند و هم‌اکنون در صدی از مردم را تشکیل می‌دهند. برخی از این افراد هنوز با اقوام خود که در آذربایجان ساکن هستند قطع رابطه نکرده‌اند.

بنابراین می‌توان ترکهای خراسان را به دو گروه عمده تقسیم کرد؛ گروه ترکهای به اصطلاح بومی معروف به ترکهای قوچانی، درگزی، بجنوردی که قدمت اقامت آنها به چند قرن می‌رسد و گروه ترکهای آذری که معمولاً حدود یک قرن و کمتر از آن است که در خراسان ساکن شده‌اند. این دو گروه از نظر زبانی نیز باهم تفاوت دارند. البته لهجه ترکهای به اصطلاح مقیم نیز باهم تفاوتی دارد مثلاً لهجه ترکهای

گرایلی و ترکهای جانبی قربانی با یکدیگر تفاوت دارد. بنابراین اختلاط قومی - زبانی خراسان ریشه‌ها و تاریخی متفاوت دارد که متأسفانه جز در مورد کردها در سایر موارد مطالعات چندانی انجام نشده است. مثلاً برخی از بلوچها مثل بلوچهای رسولخانی سرخس در اواخر قرن گذشته جهت سرحدداری به خراسان آمده‌اند، و یا برخی از اعراب ناحیه سرخس از مناطق جنوبی خراسان مهاجرت کرده‌اند و برخی دیگر از قدیم‌الایام در این دیار ساکن بوده‌اند.

در هر صورت شناسایی دقیق این اقوام ارزش بسیار دارد و جا دارد که تحقیقات عمیقی در این زمینه انجام شود. گفته شد که یکی از ویژگیهای عمده انسانی شمال خراسان همزیستی مسالمت‌آمیز گروههای قومی و زبانی آن در کنار یکدیگر است. اما هرگونه ساده‌انگاری و ساده‌اندیشی در مسائل قومی و تصور اینکه همه مشکلات کلاً حل شده است و هیچ اختلاف بالقوه‌ای که بتواند مشکلی بیافریند و یا مورد سوء استفاده فرصت‌طلبان واقع شود وجود ندارد، کاری صحیح و علمی نیست. وقتی این اختلافات در سطح ملی و ناحیه‌ای مطرح نشود، در سطح خانوادگی و در سطح روستا جلوه‌گر می‌شود. دعواها و جدالهای بزرگ قومی و قبیله‌ای به دعواها و جدالهای خانوادگی و حقوقی تبدیل می‌شود. اگر تحقیقی در پرونده‌های موجود در دادگستری انجام شود روشن خواهد شد که بسیاری از دعواها و اختلافات، خانوادگی، حقوقی، جزایی و جنایی ریشه در اختلافات قومی - زبانی و فرهنگی دارد. يك مثال کوچک تاحدی می‌تواند بیانگر مسأله باشد. در مرداد ۱۳۶۷ مسافرتی به روستاهای خیرآباد، سرداب، سرانی از روستاهای مرزی شهرستان شیروان داشتیم. در روستای سرداب بخشی از مردم به «غریبه‌ها» مشهورند. معلوم شد که در حدود سال ۱۳۱۲ شخصی بنام محمد، معروف به محمد تات از اهالی سبزوار به این روستا آمده است. این

شخص در روستای سرداب اسکان یافته و همسری از مردم روستا اختیار کرده است. فرزندان این شخص که در این روستا بزرگ شده‌اند نیز از همین محل همسر اختیار کرده‌اند و فرزندان آنها نیز برخی ازدواج کرده‌اند و امروز صاحب فرزند هستند. با وجود گذشت بیش از ۵۵ سال و ازدواجهای مکرر نوه‌ها و نواده‌های محمد تات که از طرف مادر همگی ریشه در این روستای کردزبان دارند (بسیاری از نواده‌های زیر سی سال محمد تات حتی فارسی نمی‌دانستند) بعنوان غریبه نامیده می‌شوند.

فرزندان محمد تات به علت پشتکار و تلاش امروزه جزو افراد ثروتمند ده هستند. ولی هنوز وقتی در مدرسه و یا کوچه بین بچه‌ها دعوا می‌شود، بچه‌های غریبه‌ها در یک دسته‌اند و غیر غریبه‌ها در دسته متقابل. حتی دایه‌ها کمتر در صف خواهرزاده‌های خود که جزو غریبه‌ها محسوب می‌شوند قرار می‌گیرند. آنها ترجیح می‌دهند با کسانی باشند که وابستگی فامیلی دورتری دارند ولی از نظر قومی و زبانی از یک ریشه‌اند. هر گاه بین افراد بزرگ بر سر آب و ملک و دام دعوایی باشد، غریبه‌ها باید روی افراد پدری خود حساب کنند و نه روی اقوام و فامیل مادری خود. البته روز به روز از شدت و حدت این دوگانگی کاسته می‌شود ولی آیا باید چند مدت و چند نسل دیگر صبر کرد تا دیگر کسی در این روستا غریبه نباشد. آیا در آینده غریبه در این روستا مفهوم اصلی خود را از دست نخواهد داد و به صورت طایفه‌ای مستقل تجلی نخواهد کرد. در روستای خیرآباد که در ۶ کیلومتری این روستا واقع است و ترک‌زبان است افراد کردی که در روستا ساکن هستند جزو غریبه‌ها محسوب می‌شوند و تقریباً همین ماجرا وجود دارد.

رژیم گذشته بخاطر خاصیت استبدادی و استعماری خود از پرداختن به مسائل قومی و زبانی و آن‌هم در جهت مثبت هراس داشته و اصولاً با مسائل

قومی وزبانی به صورت يك تابو برخورد می کرده است. تلاش بی وقفه ۵۰ ساله رژیم پهلوی در یکسان سازی اقوام و فرهنگهای ایران هر چند که در کوتاه مدت نتایج ظاهراً پرثمری را برای استبداد و استعمار دربر داشت، اما در بلندمدت عوارض و عواقب ناگواری را بر کشور تحمیل کرد. این خاصیت رژیمهای استبدادی و زیرسلطه است که فرهنگهای اقوام وزبانهای مختلف را یج در مملکت خود را نفی کنند. این سیاست تقریباً در همه جای جهان به شکست انجامیده است. حتی اگر مسائل قومی، زبانی و مذهبی در طول چندین دهه تحت کنترل باشد، باز هم مردم در فرصتهای مناسب خواستهای خود را ابراز می دارند. هر چه کنترل بیشتر باشد، خواستها با خشونت بیشتری همراه است. ارمنستان شوروی نمونه بارز این مدعاست. در اداره امور می بایست مواردی را در رابطه با مسائل قومی و زبانی در نظر داشت که برخی از آنها بدین شرح است:

۱ - حال که تقسیمات کشوری در جریان است، برای تعیین محدوده های روستاها، بخشها، و شهرستانها مسائل قومی و زبانی را باید بعنوان یکی از فاکتورها و عوامل مهم در نظر گرفت.

۲ - در انتخاب شوراهای اسلامی روستاها بایستی مسائل قومی و زبانی را مورد مطالعه و توجه خاص قرار داد. تجربه نگارنده این سطور در مورد تعداد زیادی از روستاهای خراسان این است که گروههای قومی که در اقلیت هستند، بعزت فشارهای اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی که در طول قرنهای از طرف جامعه اکثریت روستا بر آنها اعمال شده است در حال حاضر آمادگی همکاری بیشتر و سریعتری را با ارگانها و دستگاههای دولتی اعلام می کنند. شرکت گروههای اقلیت در شوراهای اسلامی برای آنها نوعی کسب قدرت است. در بسیاری موارد گروههای اقلیت با مشارکت در شوراهای و تحت کنترل در آوردن کامل شورا برای خود قدرت ایجاد کرده اند بدون

آنکه - به علت در اقلیت بودن - قادر به اعمال قدرت خویش و اجرای اوامر و ضوابط محوله باشند؛ در نتیجه کارهای عمومی روستا و اجرای اوامر و ضوابط دولتی به تعویق افتاده و یا اصولاً مختل شده است. در انتخاب اعضای شورای اسلامی و بویژه رئیس آن باید مسائل قومی را به نحوی در نظر گرفت که در عین اجرای عدالت موجباتی برای رکود کارهای روستا فراهم نیاید.

۳ - کلیه ارگانهای ذیربط باید در موقع دادن نمایندگیهای مختلف، شرکت‌های تعاونی، برگزیدن رؤسای شرکت‌های تعاونی، توزیع کالای مختلف، اعطای وام به مسائل قومی و زبانی توجه داشته باشند. وقتی شخصی از گروه قومی خاصی را، دانسته و یا ندانسته، برای توزیع کالا و خدمات و یا سرپرستی شرکت تعاونی و غیره برمی‌گزینند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آن گروه اعطای قدرت می‌کنند و با این کار از گروه‌های رقیب و یا مخالف سلب قدرت می‌شود. یکی از عوامل عمده عدم توزیع صحیح خدمات و کالاهای عرضه‌شده و شکایات مردم در روستا را عدم توجه به مسائل میان قومی و میان‌گروهی و مبارزه در راه کسب قدرت و در نتیجه کسب ثروت گروه‌های مختلف در روستاهاست.

۴ - روستاییان با قرن‌ها تجربه سیستم کدخدایی را پذیرفته بودند کدخدا الزاماً نماینده بزرگ مالک نبوده است. در روستاهای خرده‌مالکی هم کدخدا وجود دارد. همه خانواده‌ها سهمی (مقداری جو و بیده برای اسب مهمان، مقداری گندم و پول برای غذای خود مهمان) به کدخدا می‌داده‌اند. میهمانی که به روستا وارد می‌گردیده در حقیقت میهمان همه اهالی ده بوده ولی در خانه کدخدا پذیرایی می‌شده است. حال که سیستم کدخدایی از بین رفته است و همه خانواده‌های روستا در پذیرایی واردین به روستا مشارکت ندارند و بعلاوه مراجعه‌کنندگان به روستاها نیز زیاد شده‌اند، مسؤولین در مراجعات و ملاقات‌های کوتاه‌مدت از روستاها بویژه

در روستاهای دوردست که از اقوام مختلف تشکیل شده است باید مسائل قومی را رعایت کنند. مثلاً بطور معمول وقتی بخشدار و یا افرادی از زاندارمری، سپاه و... برای یک روز و یا چند ساعت به روستایی می‌روند و مورد پذیرایی واقع می‌شوند، اگر مسائل قومی را رعایت نکنند و اگر مکانهای عمومی برای اقامت انتخاب نکنند، باید بدانند که رفتن آنها به منزل اشخاص، بطور مستقیم و غیرمستقیم، برای صاحب منزل ایجاد قدرت می‌کند. و اگر این مراجعات مرتباً تکرار شود بطور ناخواسته قومی بر قوم دیگر در روستا رجحان و برتری خواهد یافت و مسائل اجتماعی - اقتصادی و مسائل سیاسی (در حد روستا) در پی خواهد داشت.

۵ - در مسائل تبلیغی می‌بایست فرهنگ، آداب و سنن و ویژه قومی رعایت

گردد. بعلاوه می‌بایست ریزه کاریهای زبانی مورد توجه واقع شود.

۶ - در مسائل اقتصادی در روستاها توجه به مسائل و ظرایف قومی

بسیار لازم است. اقوام مختلف در زمینه کشاورزی و دامداری از تکنیکهای ویژه و ظرایف و دقایق مخصوص به خود استفاده می‌کنند. دانستن و رعایت این اصول از طرف محققان و مجریان در گسترش امور کشاورزی نقش مهمی را دارد. اصولاً برخی اقوام در زمینه زراعت، برخی در زمینه باغداری و برخی دیگر در زمینه دامداری ماهر هستند. مثلاً اقوامی که ریشه چادرنشینی دارند مثل کردهای خراسان در دامداری مهارت بیشتری دارند. گروههای قومی که مدتهاست در دره‌های کوهستانی اسکان یافته‌اند در باغداری پیشرفته‌ترند تا در امور دیگر. نوع مشاغل در گسترش زبان و واژگان مربوط به آن شغل نیز بسیار مؤثر است. مثلاً اقوام دامدار در زبان محاوره‌ای خود برای تک تک اعضای یک حیوان و یا برای سنین مختلف یک حیوان و یا رنگ و شکل یک حیوان واژگان ویژه‌ای دارند و نامهای مخصوصی را وضع کرده‌اند، در صورتی که همین افراد در امور کشاورزی از واژگان بسیار محدودی استفاده می‌کنند.

برعکس اقوام کشاورز در زبان محاوره‌ای خود برای امور کشاورزی و ابزار مربوط به آن وقسمتهای مختلف يك گیاه کلمات بسیار متنوع و متعددی را به کار می‌برند در صورتی که برای دامداری دایره لغاتشان محدود است. اصولاً هر گروهی به شغل سنتی و اصلی خود علاقمندتر و پایدارتر و باتجربه‌تر است تا مشاغل جنبی؛ به لحاظ همین علایق حرفه‌ای و همین ظرایف قومی و انسانی است که در دره‌های کوهستانی شمال خراسان با شرایط آب و هوایی و توپوگرافی تقریباً یکسان روستاهای کرد زبان در دامداری و روستاهای فارسی زبان در باغداری و روستاهای ترک در هر دو زمینه پیشرفته‌اند. مطالعه دقیق این امور بهار گانه‌ها امکان می‌دهد که سرمایه‌گذاریهای خود را جهت‌دار کنند.

در زمینه صنایع دستی توجه به سنتهای قومی بسیار الزامی است. در جوامعی که هنوز تقسیم کار سنتی بین زن و مرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و برخی کارها ویژه زنان است و مردان از انجام آن ابا دارند، شناخت ظرایف در هدایت سرمایه‌گذاریه‌ها و گسترش آنها مؤثر است. بعنوان نمونه قالی‌بافی نمی‌تواند در نزد اقوام مختلف بسادگی پیشرفت یکسانی داشته باشد. در روستاهای کردی و ترکی که قالی‌بافی از قدیم الایام وجود داشته است، سنتهای مربوط به آن نیز وجود دارد. در این روستاها قالی‌بافی کار زنان است و مردان از انجام آن سر باز می‌زنند. و آن را کاری زنانه می‌دانند. (هر چند که در حال حاضر در تعداد معدودی روستای ترک زبان مردان محدودی به این امر اشتغال دارند). در صورتی که در روستاهای فارس زبان خراسان شمالی قالی‌بافی صنعتی است نوپا که از چند دهه قبل وارد شده است. در این روستاها سنت قالی‌بافی و تقسیم کار وجود نداشته است بنابراین قالی‌بافی در نزد مردان از گسترش بیشتری برخوردار است. سرمایه‌گذاری در امر قالی‌بافی در روستاهای فارسی زبان در چند دهه اخیر نسبت به روستاهای

کرد و ترك بسیار بالاتر و افراد شاغل در آن نیز بسیار زیادتر است .

۷ - در زمینه مهاجرت‌های روستایی باید توجه داشت که اقوام مختلف و بویژه گروه‌های زبانی عکس‌العمل یکسانی ندارند . روستاهایی که گسترش زبان فارسی در آنها کمتر است کمتر مهاجرت می‌کنند؛ روستاهایی که مردان قالی‌بافی را براحتی می‌پذیرند کمتر مهاجر دارند؛ روستاهای دامدار که بخش کشاورزی آنها هنوز به اشباع نرسیده و قابل گسترش است، از مهاجر کمتری برخوردار هستند؛ برخی اقوام کار در بیابان و زیر چادر را خیلی بهتر و بالاتر از کار عملگی می‌دانند .

پایداری گروه‌های مختلف در حفظ ارزشهای سنتی خود در مقابل فشارهای اقتصادی یکسان نیست . هر چند که وقتی این فشار زیاد شد و بویژه وقتی همراه با تبلیغات و درآمدهای سرشار غیر معقول گردید آن وقت دامدار بختیاری را در بلندترین برج يك ساختمان نیمه‌ساز در کویت در حال خم کردن میل گرد برای آرماتوربندی می‌بینیم .

۸ - در زمینه مسائل بهداشتی اقوام مختلف عکس‌العمل‌های کاملاً یکسانی را ندارند . بعلاوه در برخی زمینه‌ها در نزد اقوام مختلف به‌امراض ویا ویژگی‌های جسمی و روانی متفاوتی بر می‌خوریم که شناخت آنها می‌تواند کمک زیادی در اشاعه بهداشت و سلامتی داشته باشد .

۹ - مسأله آموزش و پرورش مهمترین مشکلی است که در رابطه با مسائل قومی و زبانی مطرح می‌باشد . معیار ما درباره اینکۀ مثلاً روستایی فارس‌زبان ویا کردزبان ویا فارس و کردزبان است این بوده است که يك كودك در ابتدای شروع سال اول دبستان به چه زبانی صحبت می‌کند . اگر

۶ - مهاجرت مسأله پیچیده‌ای است برای اطلاع بیشتر به‌سری مقالاتی که در

فصلنامه تحقیقات جغرافیایی چاپ شده است مراجعه گردد .

کودک فقط فارسی بداند ما او را فارس زبان واگر فارسی و کردی بداند ما او را فارس و کرد زبان تلقی کرده ایم . بدین ترتیب در روستاها دو حالت کلی پیدا می شود : ۱ - ممکن است در روستایی عده ای از مردم فارس و عده ای دیگر کرد باشند ، در این صورت روستا را فارسی - کردی تلقی کرده ایم . ۲ - ممکن است همه مردم هم فارسی بدانند و هم کردی ؛ باز هم این روستا را فارسی - کردی تلقی کرده ایم .

بنابراین نقشه ضمیمه نمی تواند واقعیت را به طور دقیق نشان دهد . (ممکن است معیار سنجش ما از فارسی و کردی مورد قبول زبان شناسان و یا متخصصان امر نباشد) .

در رابطه با مسائل زبانی و آموزش و پرورش مطالب زیادی تا به حال منتشر شده و وزارت آموزش و پرورش نیز در جریان دقیق امر است و تا به حال طرحها و برنامه هایی هم وجود داشته که اجرا نشده است . وقتی کودک ۷ ساله ای فارسی نمی داند و به کلاس اول می رود و مجبور است هم خط بیاموزد و هم زبان ، با مشکلات زیادی روبرو می گردد که نتیجه آن یا فرار از مدرسه است و یا مردودی . اگر توجهی به آمار و درصد قبولی دانش آموزان در خراسان شمالی بکنیم ، متوجه می شویم که بالاترین افت تحصیلی مربوط به بخشهایی است که درصد دانش آموزان با زبانهای مختلف در آنها زیاد است . البته مردود و یا قبول شدن مربوط به عوامل متعدد ، اقتصادی ، اجتماعی و روانی است . ولی این مسأله که بالاترین درصد مردودی مربوط به مناطقی است که بالاترین درصد زبانهای مختلف را دارد و بالاترین درصد قبولی مربوط به مناطقی است که بیش از ۹۹٪ دانش آموزان فارس زبان هستند امری اتفاقی نیست .

همان گونه که گفته شد درصد مردودی و قبولی دانش آموز مربوط به عوامل متعددی است که یکی از آنها عامل زبانی است . درصد قبولی

مقطع ابتدایی

درصد قبولی (سال ۶۶-۶۵)		درصد زبانی دانش‌آموزان (سال ۶۶-۶۵)				محل
در خرداد	در خرداد و شهریور	لری	ترکی	کردی	فارسی	
۴۸/۳۲	۲۱/۱۱	۱۱/۵	۴۲/۷	۱۴/۶	۳۱/۲	کلات نادری
۵۹	۳۱	—	۳۴	۵۱	۱۵	قوچان
۷۸/۶۶	۵۵/۹۴	—	۲۲/۶	۲۲/۶	۷۵/۲	سرولایت
۸۴/۷۴	۷۱/۷۳				۹۹/۹	کاشمر
۸۵/۷۱	۶۹/۵۲				۹۹/۹	گناباد
۹۳/۲	۸۰/۸				۹۹/۹	بشرویه
۷۵/۸۵	۶۵/۹۵	؟	؟	؟	؟	ناحیه چهارمشهد
۹۵/۸۷	۷۴/۵۶	؟	؟	؟	؟	ناحیه سه مشهد

مأخذ درصد قبولیها، آمار آموزش و پرورش خراسان .

مأخذ درصد زبانهها، سرشماریهای انجام شده زیر نظر نگارنده .

نواحی ۳ و ۴ آموزش و پرورش مشهد که به احتمال زیاد از نظر زبانی باهم همگونی دارند در جدول آورده شده است تا بیانگر اعتراف ما به اهمیت سایر مسائل باشد. لکن عامل زبان یکی از عوامل عمده و سرنوشت‌ساز در مردود و یا قبول شدن دانش‌آموز بوده و هست و خواهد بود .

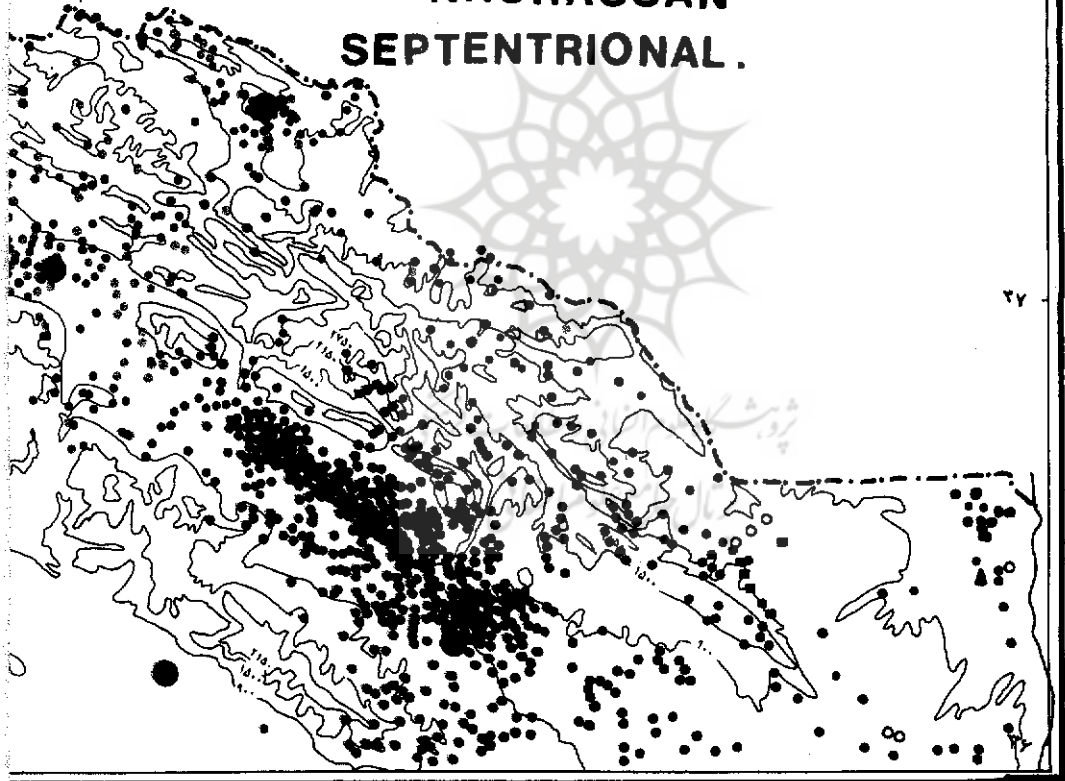
وقتی بیش از ۵۱٪ دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در بخش کلات نادری در کلاس مردودی شوند، چه سرمایه‌مادی و نیروی انسانی بزرگی به هدر رفته است؟ عدالت اجتماعی و روح اسلامی و جلوگیری از اسراف در سرمایه‌های مادی و نیروی انسانی جامعه به ما حکم می‌کند در امر آموزش و پرورش به مسئله

زبان به‌طور جدی توجه کنیم و برای نواحیی که زبانهای غیرفارسی در آنها رواج دارد برنامه‌های ویژه‌ای در نظر بگیریم. این سخن تازه‌ای نیست و تکرار مکررات است. ولی اگر جامعه می‌خواهد از همه امکانات و نیروهای انسانی خود بهره‌برد و در عین حال مخارج بیهوده‌ای را صرف کسانی که در آخر سال به‌علت مشکلات مربوط به زبان در کلاس مردود می‌شوند نکند باید راه‌های مناسبی برای این مشکل اساسی بیابد و از سیاستهای یکسان-سازی زبانی و قومی که خاص کشورهای زیر سلطه و استعماری و استبدادی است و با روح اسلامی مغایرت دارد دوری کند.

امید آن است که چاپ نقشه پراکندگی زبانها در روستاهای شمال خراسان کمکی به پژوهشهای مربوط به شناخت گروههای قومی این ناحیه باشد.

پراکندگی زبانها در روستاهای شمال خراسان

DISTRIBUTION LINGUISTIQUE DES
VILLAGES DU KHORASSAN -
SEPTENTRIONAL.



نقشه پراکندگی زبانها در روستاهای شمال خراسان ۴۱

